

مخبر اداره تهران خیابان لاله زار کوچه حاجی باقر

Rédaction du journal "IRAN NOUVEAU"
Téhéran (Perse)

مکاتیب و مقالات وارزه مسترد نمیشود
باکتهای بی تمیز و نوشتههای بی امضا قبول و چاپ نخواهد شد
اداره فرس و اصلاح مقالات مختار است
همه روزه غیر از ایام تعطیل عمومی نشر میشود
تک نمره در تهران [۳] شاهی

ایران نو

نمره تلفون ۲۹۴

قیمت اشتراک

بایخت ، سالیانه ۵ تومان ۶ ماهه ۲۶ قران سه ماهه ۱۳ قران و نیم
سالیانه ۵۵ قران ۶ ماهه ۳۰ قران سه ماهه ۱۶ قران
عالمک غلوجه سالیانه هفت تومان و نیم ۶ ماهه چهار تومان
علائق در سینه اول جای یک سطر ریز بگنجان و در سینه آخر دهتهای

تک نمره در ولایت [۵] شاهی
صاحب امتیاز : م . ابوالضیاء

روزنامه ایست ملی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، ادبی ، فنی اخلاقی ، از هر گونه مطالب سود مند سخن میراند

اعلان دوای پوست گنه گنه آهن دار سراوالو



این دوای
برای اشخاص
ضعیف و یا قهین خیلی لازم است و خصوصاً
در کسانی که رقت خون دارند یا مبتلایند درد
سوء هضم اندیسار مفید است اشتها را
تحریک میکند و به اعضاء و خون قوت
میدهد و غیره و غیره خوبی این دوای آنست
که خام ضعیفه و اطفال بمیل آرا میشوند
چونکه طعم گوارائی دارد محل فروش این دوای
در دوای خانه مسبو مولیون است

تطمیل قوه قضائیه

مقدمه اتصال مجلس
در دوره خالیه اقداماتی که نسبت بدلیه
ظهور و باسم اصلاح و انتظام اداره انتشار
پیدا میکند ، در نظر هیچ فردی از افراد
طبقات ملت پوشیده نیست که این پیش آمد
غریب و عجیب مقدمه اتصال مجلس را طوطیه
منبتاید چه جز عده مدودی هیچ کسی نمیتواند
که در حال حاضر مملکت این روش حق
شکناهی بعضی از اولیاء امور را باسم اصلاح
طلبی و یا وطن خواهی و ملت پرستی و یا
سایر مطالب دیگر که مقضیات یک چنین مملکت
عقب افتاده و فریضه ذمه اولیاء امور است
موسوم بداره ولی افسوس که با همه این
محسوسات اغلب از طبقات ملت که تقدم در رفع
اینگونه مفاسد را بایستی بدون درنگ استقبال
نمایند با کمال سکوت این مرگه رامشاهده و
نماند قالب بی روحی نظاره میکنند و ما این
سکوت را به جهل و عدم اطلاع از وخامت
واقعیت امور نمیتوانیم حمل نمود ، مسلماً بیکی
از هو شیق معتقد هستند که یا بطون و مزایای
این اقدامات اولیاء امور را سابقه ندارند و
با مدافعات طرف مخالف را بواسطه شباهت
و تمیزات سوئی که از طرف همین اشخاص
غیر منصف مشاهده میشود باطل و بی حساب
فرض کرده و در اضحلال آن قوم ساکت
هستند با بر این برای اینکه مقصود و مرام
هم دو طرف مکشوف و هر نظر اشخاص با
حسن مملکت اشتریح شود حرکات و خیالات
هم دو طرف را در نظر گرفته و مبروک کنیم
همه میمانند که مستخدمین عدلیه مخالف

با هیچ اصلاحی نیستند کابینه وزارت عدلیه شاهد
سال است که از ابتداء دوره مشروطیت تمام
اصلاحات لازمه وزارت عدلیه از طرف مستخدمین
عدلیه بطور کامل و جامع بمقام وزراء مسئول
پیشنهاد شده و این یک جمله نظام ظاهری
و قانون اداری هم که فعلا در بین است نتیجه
همان زحمات و راه نمائی خود مستخدمین بوده
است .
مستخدمین عدلیه برای تکمیل نوانس این
وزارتخانه از هیچ زحمت و کوششی فرو گذاری
نموده و بر فرض که برخلاف سرفه شخصی
هم بوده باشد هر اقدام قانونی را استقبال میکنند
(ولی بشرط حسن استعمال قانون) از چند وقت
بناظر آنکه اصلاح عدلیه با یک ظاهر سازی
آشکاری در عداد امورات فوری قلمداد شده
کارکنان عدلیه با کمال خلوص و عقیدت حاضر
شده در جلسات عدلیه و اوقاصی را که در نظر
بود اظهار داشته اصلاحات لازمه را خاطر
نشان و مخارج غیر لازم را تحقیق و صورت
دادند مقدمانی که برای سرعت جریان امور
این ملت مظلوم بیچاره و رفع تمذبات خانه بر
انداز صنوف ممتاز بود کلمه بعد کلمه خاطر
نشان نمودند و تکیه عنوان عدم لیاقت اعضاء
واجزاء حاضره مستمسک و مسئله امتحان و اختیار
علمی پیش کشیده شد با اینکه مواد آن ابدأ
از روی اصول قانونی انفاذ شده قبول نموده و
بتوسط جراید کوشش شده نمودند .
در این ادوار متوجه متوجه مملکت در استکشاف
مغایب و مفاسد و رفع تمذبات همه حقوقی و جزائی
ملاحظه از هیچ صنف ممتازی را قائل نشده مقلد
اغراض هیچ متفندی نگردیده مصادمه با تمام
ارکان استبداد و ارتجاع کردند . از ابتداء
مشروطیت تا دو سال قبل بدون مواجب
و مرسوم با یک حس ایرانیته همه کوه
فقر و استیصال ساخته و بضدیت فرقه
مخالف و حفظ بپرق عدالت و قوه قضائیه
جان فشانی ها نمودند از دو سال با نظر
با یک حقوق محقر مختصری حفظ عدل و
داد را با کمال جدیت مباشرت نموده
در مواقع مقتضیه و اوقات تشکستی دولت
هیچ اقدام مخالف تراکت نکرده ششماه به
ششماه حقوق امیرسید متحمل خدمت بوده
مباشرة و مدارا را متروک نداشتند فحش و
نثرشات جاهلان طیفه ناله ملت را در مقابل
نیت مقدسه حفظ عدالت اهمیتی نداده و
رو گردان نشدند و نام این ترتیبات و
تعمیرات برای این بوده است که میباید
ترازلی در رکن قوی مشروطیت طاری شده
و اسمی از تطیل و اتصال پیش نیاید و
حالا نیز مقصد و مقصود همان است بر فرض
که اولیاء امور برای عدلیه مملکت یک عده
اشخاص کافی و عالم تر از حاضرین مدارک
کرده باشند هرگز مورد بحث نمیشود و
زحمات فوق الطاقه چندین مدت را صرف

نظر کرده و ابدأ نمیخواهد بپوشد اشخاص
فاضل کامل تر از خودشان معذور قضاوت
باشند .
اما افسوس که در این دوره غرض از
پیش آوردن این مطالب چیز دیگر است و
مقصود اصلاح نیست غرض اطفاء چراغ عدالت
و تخریب رکن رکن مملکت است بجهت دلیل
بدلیل اینکه امتحان اعضاء و اجزاء عدلیه
ابداً ملازمتی با تطیل عدلیه و اتصال
همه حکم ندارد .
امتحان قضات عدلیه باید بر طبق قانونی
و علمی بوده باشد نه اینکه لایحه امتحانیه
بقوه دماغی بعضی از اشخاص تراشید داده
شود و در امتحان و انتخاب قضات کبرسن
و کورلت را شرط بداند (بلی تربیت شدگان
ادوار مضبه خوب نمیتوانند از امتحان خالیه
بیرون آمده و با لطمه لایق این مستند ملی
خواهند بود) هفت متعنه را موافق
میل خود انتخاب و تشکیل میکنند عوض
اینکه قوانین عدلیه را اشام و تکمیل و باین
ملت بیچاره قهیم و تلقین نموده و بدستور
همان قوانین خوب را از بد تشخیص و اشخاص
را از هم دیگر تمیز و بحکم قانونی بکفر
برسانند خصوصیات اشخاص را منظور نظر
دارند ، نام این مراتب را که عین خصومت
با قانون است باسم اصلاح عدالت و اشاعه
قانون قلمداد میکنند .
اشخاص امتحان داده را تا چهار ماه دیگر
پس از امتحان که مصادف با بحران قهری
مشروطیت مملکت ماست موقت معرفی می کنند
برای تیل حقوق مقرری اجزا و اعضاء با کلمه
(هر کسی حقوق می خواهد استعفا بدهد)
ترغیب و تخریب با استعفا و کتاوه جوئی میسازند
و می خواهند باین وضع از طیب خاطر استعفا
نمایند عجباً مزدور مزدعمل خود را نخواهد
چهره با استعفا دارد .
در باب هیچ يك از پیشنهاد های ضروری
اصلاح خواهان کارکنان عدلیه ابدأ اقدامی
نمی نمایند . اشخاص بصیر و انظار دقیقه
انصاف میدهند که جز مارضه با قوه عالییه
(قوه قضائیه) مملکت و ضدیب بایک جماعت
که جدیت در حفاظت آن دارند نمیتوان این
(آتربیک) ها را اسمی گذاشت (۲) آتربیک
این مقدمات اصلاح عدلیه خواهد بود ؟ آیا
بر فرض محتمل این مراتب اولین قدم در اصلاح
عدلیه پایدار این طریق گذاشته شود ؟ دبیسه
کاران بداند کار کاران عدلیه سنگ بستن خود
نمی زند و در فکر یک عده مدود و صرفه
شخصی نیستند بلکه بحال ملت و مملکت تاسف
و اوضاع ناگوار را اعتراض دارند و رفتن از
خوزه عدلیه وحشی خارج شدن از این مملکت
را نیز حاضرند بجهت دلیل بدلیه آنکه بصدای
رسا کوشزد طمه نموده که ما رشوه نکرده
می گیریم بدلیل آنکه در عهد هر وزیری

اصلاحات اساسی را که مستلزم حسن جریان
امور عدالتخانه است پیشنهاد نمودند بدلیل آنکه
هر نقاد و معترضی را دعوت بمحاکمه با خود کردند
بدلیل آنکه اول کسانی بودند که اعمال
امتحان و امتحانات قضائی را از مبنای
طایفه نقاشا کردند بدلیل آنکه با همین وضع
شماره نیز خرد را برای امتحان حاضر و
فقط تأمین از غدر و خدعه را خواستند
بدلیل آنکه هر گاه این جماعت تقصیر خود
می بیندند لایحه ورخته ۱۵ جمادی الثانی
۱۳۲۹ را با آن قوت قلب و وزیر عدلیه
نمی نوشتند و تقاضای درج آن را در جراید
رسمی نمی نمودند ، بدلیل آنکه وقتی که
احساس کردند اطعمه با اساس عادات احتیال
میرود مخصوصاً بیسادی طایفه کوشزد کردند
اگر مساعدت عدلیه را موقوف رفتن ما می
دانند بدون هیچ تقدیمی مقام خود را تقویض
نموده میروند بدلیل آنکه اگر هر یکی از اشخاص
تحتکین که مستقبلاً حاضر میا که بوده اند
سؤال کنید جز تصدیق و تحسین و شکر
بهرتی نمی شنویم بالاخره کلام خود را خوانده
داده عامه ملت را متذکر می نمائیم که تقدیم
این است که این اکثریت مخالف اساس
عدالت خانه همان اکثریت متعنه ظالمانه جاریه
است که از قرون سابقه تا اکنون به تخطی و
تعدی در حقوق و امراض افراد مستضعف
این ملت بد بخت از هیچ اقدام عدلیه متعنه
است کرده و به حالت توحش و بیست
عادی مرتکب بوده اند و حالا که
خود را در فشار قانون و تضییق عدالتخانه
می بینند این اشارات و شباهت را داده و این
اقدامات را پیش کشیده اند و پس از عرض
این مقدمه و حساب شخصی سؤال ذیل را
از خوانندگان محترم استدعی جواب می نمائیم
که آیا با این مقدمات محسوسه کیست که ما
را اطمینان بدهد که این ترازل کتونی عدلیه
و موقت بودن استقلال قضات امتحان داده
الی چهار ماه دیگر که یکی از مواد لایحه
امتحانیه و مصادف با بحران عمومی قهری
مملکت است مستوجب اضحلال مشروطیت
و انحلال مجلس شورای ملی نخواهد بود ؟
هر کسی چنین اقدامی را نسبت قوه قضائیه
در تاریخ عالم (دوره توحش) (دوره تمدن)
نشان دارد اظهار نماید .

فلسفه استبداد و سیاست

جهت بشر از روی احصائیه علمی به هزارو
بانصد مایون قوس تخمین شده که نصف این
جمع کل بان نصف دیگر همیشه اسباب
ملات و زحمت آن ها را فراهم می نماید
و اکثریت این نصف را طایفه زن های
شهری تشکیل داده اند ، و از زن ها کسانی
که مقامات خود را فهمیدند و معنی این مسئله

را که حقیقتاً حافظ طبیعت انسانیت و باعث
بقای نسل بشر همان جنس نواستند بدانند
خلی کم و در حکم مدومند و برای حسن
اداره زندگانی و تولید و تولید هزار فرزند
یک مرد کافی تواند بود که باقی مرد ها
فقط باید مستند غظطرات و مشقت اجتماعی
بوده و در حکم سایر افراد ذکور محسوب
می شوند و از روی همین نظر اگر زن مرد
را در حوائج اجتماعیه قسمت کرده و سهم
بدانیم یک قانون ظالمانه دائماً بر جدیت حاکم
خواهد بود با وجود این که دائماً زن ها
را این توان ضعیف نفس و ناقص العقلی محسوس
کرده و با یک عنوان موهوم آن ها را مطلوب
و محبوب نموده ایم بطوری که تمام
عبودیت مادی و معنوی را بان ها نسبت داده
و همه را بشام حسن و خوبی تلقی کرده
و صفتی را که مرکب اکثریت بشر و اس
اساس جدیت و عمدت رکن آدمیتند از کنار
باز داشته ایم مثلاً وظیفه زنانه بنام ضعیف
عبادتت بروری و تنزی ، عزتشان عفت ،
شجاعت عیب بزرگ ، کرم نفس عمده اگر
دیگران را عیب کنند بر آن ها ابراهیمیست
در صورت ظلمی مظلوم جلوه کنند و بان
منوال تمسد قبایح را بدون مؤذلت و همه
ذماید را بلا تعرض مرتکب و همیشه در کج
خانه چشم بدست دیگران دوخته که اگر
دیگران زحما پاره نانی بمذول ندارند بیچاره
زنها از کشتی تلف میشوند و حال آنکه در
عالمک مقدمه قسمت بزرگ حوائج اجتماعی
باجات زنان اداره می شود .
این است که باین سؤال اولاد خود را
ترتیب کرده و رو بگنیزت می روید . و
بهین ملاحظه بعضی علماء اخلاق نوع زن
را بنام حرز بشر یاد کرده و گفته اند که
حرز یعنی زن با حضارت و تمدن تو امر در
است هم رقی مضاعف میکنند بد بخت زنان
ایرانی ! . . . پس و حقیقت نصف نمره
اعمال انسانی و حضارت دولت و تمدن
بیچ حصه از شش حصه این پدر می رود .
بملاوه نوعی مرد ها تمام مشقت زنده
کافی را تکفل و همیشه در زیر یک قانون
ظالمانه در تلاشند . چونکه مردان سیاسی و
دینی و کسانیکه بان دو صنف بر عنوان
که باو ملحق شده و عدد آنها در صد از دو
نمی گذرد با نصف حقوق بشر زندگانی کرده
و بان طوری که اختیار کنند تصرف در
عرض و ناموس انسان می نمایند چنانچه
یک روحانی و یا یک سلطان و یا یک مستبد
ولو بطور عموم برای گذر که خود صد چراغ
روشن و هزاره شمل مشتمل ولی صد ها بیچاره
در زاویه خانه در ظلمت بسر می برند (۱۱۱)
پس از این مقدمه معلوم میشود که هر اندازه
ما در سبب اجتماعیه دقیق شده و با
نهایت در سی دوره اجتماع را کنجگاری

تعمیر می نمود مواد مولد است. در این خصوص
دیدیم. بیسی است هر چیزی که از روی
همین میزان تصرفات شخصی در رفع حوائج
خود نماید تا آنجا که آنها طرح بزی استبداد
در کارهای عمومی خواهد بود چه اساس
استبداد فقط منحصر به استبداد اجتماعی است
که ما در نثرات گذشته مفصلاً نگفتیم.
و بالاخره دروه اجتماعی خصوصی یک
عالمه و خانواده به هر اندازه هست که در حد
و اساس تربیت اخلاقی و ترقی فکری منظور
نباشد همان اندازه شرازه اجتماع عمومی از هم
پاشیده و حیات نوعیه آن مات دوجار انقلابات
خانه برانداز و تبدلات ملت برپا کن خواهد
شد بطوریکه هر قدر دلائل انقراض رو باصلاح
رفته و شب و روز تلاش دو تصحیح اصول
زادگانی آنان امساید ابتدا موقتاً تحصیل
نگرهم و اساس افکار خود را با درجه خواهد
دید. چرا که همارت بی بنیان استقامت پیدا
نموده و تعمیر نمی پذیرد.

اگر باوضاع و انقلابات پنجساله مملکت
مان از دست داده خود عطف نظر کنیم
بمخوبی این معنی را تصدیق می نمائیم که در
ایندست قدمی نتوانسته ایم رو باصلاح برداشته
و یک گوشه خانه خود را تعمیر کنیم و حال
آنکه یک آبی آسوده نه نشسته و متصلاً در تلاش
رفع بدبختیها بوده ایم برای آنکه روح حریت
سیاست مملکت ما که هیارت از سیاست اجتماعی
مات در یک اساس ندرس و کفته گذاشته
شده که آن میثاق و طاق این همارت
طالی را ندارد چون که سیاست اجتماعی ما
متعل به سیاست عالمه و خانواده میشود که
فریاد به اخلاقی و سعادت خود را به آسمان
رسانیده و داد بی فکری و بی شعوری را
داده ایم.

آیا باین اساس های مدرسه می شود
آرزوی ایران زور کار نمود؟ شیخ صالح
الدین شیرازی گوید (خواجگ درمذنبش ایران
است) خانه از پای بست و بران است بدبختی
در این جاست ما ایرانها چنان تصور نمودیم
و قتیکه دوره استبداد را مبدل بقانون نمودیم
باید کارها را باراده چند نفر محول داشته
و آسوده خفته و حق صریح مسئولیت ملی
را مغلوب کرده و بکفین مجلس و هیئت وزراء
داریم کارهای مادرست میشود به خبر اشتباه
است با حلوا گفتن دهن آدم شیرین نمیشود

راجع باصلاح امور صحیحه
آقای دکتر رفیع خان که از اشخاص
فارغ التحصیل مدارس عالیه طبین خارجه و از
دکتر های قائل ماصارند و اینک درمرض
خانه مظفریه اسلامبول سمت طبابت دارند
مشروحه که در موضوع بی ثر نرئیمی امور
صحبه ایران نوشته و ما نظر باهمی که دارد ذیلا
درج نموده و توجه وزارت معارف را به
مندرجات قابل تقدیر آن جلب مینمائیم.
اینک مشروحه ایشان:

چندی است که از ایران وطن عزیزم
حرکت کرده و جمیع آرزو و آسایم این
بود که شاید واسطه پیدا کنم از برای
رساندن مقصودم که درد های قابل زابتوانم
بنظر هم وطنان عزیزم برسانم و بگویم که
تا کی این ملت بیچاره باید دچار بدبختیهای
گوناگون باشد و چرا هنوز اولیا امور سر
پچی از بعضی نوا قس میکنند و در این عصر
نورانی ملل دیگر چگونه به ترقی و سعادت
تایل شده اند. ماجرا روز بروز عقب می

رویم دیگران چطور شده هر روز با اسارت و ذلت
را از دوش خود مپاکنند و روی به عالم
آزادی حرکت میکنند چرا این ناله را نری
ته و این شب را سحر می نیست. ای
بزرگان ایران ای اولیای امور ای وزرا
ای آن کسانیکه خود را پیشوای ملت می
داند نظری به بیچارگان و سفاکیند ازید
و به بباید که سالی چند هزار نفوس ایران
بدست این سزادان که اسم خود را افلاطون
دهر گذاشته اند کشته میشود امر وز در
دنیا مملکتی نیست که فوشش روز بروز ترقی
نکند سالی کرورها که خرج نمیشود از برای
از دیاد نفوس هر شهری یا قصبه مثلاً ده
سال قبل نفوس آلمان سی میلیون بود امروز بهشت
مابون رسیده است اما بدبخت ایران که روز بروز
تفوشش تنزل و رو باصلاح میکند در ممالک
متدنه سالی کرورها خرج میشود از برای
مربخخانه ها که بی نوع خود را از بلاهای
کونا کون محافظت کنند ولی باکال ناسف و
حسرت می گویم که در ایران این جلادان بیسه
بردست گرفته بوع انسان را تمام می کنند و
هنوز ما ایرانیان این نکته را درک نکرده ایم
که اول کار حفظ الصحه است تا حفظ الصحه نباشد
انسان قابل هیچ گونه امورت علمی یا ادبی
نسیاسی نه مدنی نمی گردد.

چرا در ایران نباید یک پروگرام مخصوصی
داشته باشد از برای حفظ الصحه مملکت چر باید
ایران بیچاره دوجار بعضی شارلتان ها باشد در
هر شهر از ایران نیست که در سر هر گوشه و
مبیری چندین اشخاص که اسم خود را طبیب
کنداشته و مشغول طبابت نباشند و کسی نیست
که از این افلاطونها بپرسد که ای باوجدانها
شما در کدام دارالفنون تحصیل کرده اید
گدام مدرسه عالیه طبابت نموده اید از کدام
دولت تصدیقنامه دارید؟ افسوس کسی نیست
که به این نواقص پردازد و اگر کسی جرئت
داشته باشد از ایشان بپرسد که از آوری کدام
قاصه طبابت می کنند فی الفور جواب خواهند
داد از تجربه شما هنوز جوان هستید هر
حکیمی که ده هزار آدم نکند در ایران حکیم
نیست البته ای خرد مندان و وطن پرستان
اوریا ثبات را سر زتنی مکنید که چرا ماها را
هنوز وحشی مبخوانند در نزد وجدان خود
به پیشم که آیا در قرن بیستم باید هنوز این
طور نواقص در مملکت باشد آن هم مملکت مشروطه
در اروپا هر شخصی که بخواهد تحصیل طب کند
باید یک دوره عمرش را صرف کند تا یک
قطره از این دریا بفهمد و دیده شده که بعضی
پرو فسورها که سالهای دراز چه در مصبخانه
ها چه در لابراتوارها کار کردند هنوز خود
را عاجز و نادم می بینند ولی در ایران هر شارکد
عطیاری یا مدلالی از کار بازمی ماند یک لقب
اطیائی می بخرد می گذارد و یک دکان آدم کشی
باز می کند و یا اینکه در ایران دیده شده ازید
به پسر این مرض موروثی شده مثلاً اگر یک
جناب الاطیائی فوت کند پسرش مجبور است
که لقب پدر را بر خود بگذارد و طبابت کند
امروز مملکتی درد نیا نیست که طبیب بتواند
بدون اجازه دولت طبابت کند مثلاً شخصی
که دارای ده صدقه باشد بند و در اسلامبول
بخواهد طبابت کند مجبور است که اجازه
از دولت عثمانی داشته باشد در ممالک اروپا
از این هم سخت تر است باید رعیت آن دولت
شد تا توانست انجا کار کرد ولی افسوس که
در ایران هر قصابی و هر عطاری می تواند
طبابت کند و سالی چندین هزار ایرانی بیچاره

بدست این ظالمان کشته نمیشوند؟ اما جای
افسوس اینجاست که از بسکه مملکت ایران مرج
و مرج است و ایران را وحشی می دانند
بعضی شارلتان های خارجه که در ولایت خود
از کار باز میمانند می آیند در ایران طبابت
میکند مثلاً یک اروپائی که چند کلمه
قرانسه دانست و یک کلاه قرنکی گذاشت می
اید ایران اسم خود را طبیب میکند
شروع میکند به طبابت کردن و هر یک بعد
از چند سال پول ملت فقیر را بر سر نوع که
شده میگردند تا اینکه هزری ایشان معلوم
شده فرار میکنند و بد بخت ایرانیان خیال
میکند که هر کس خارجه شد
افلاطون زمان و جاهلوس دور آن است نمی
دانند که در هر مملکتی انسان بی علم هم
پیدا میشود بی چاره ملت چه کند این
نواقص را باید وزارت معارف اصلاح کند
همین شارلتانهای خارجه یکتون شبوه نازده
اختراع کرده اند که هر مریضی که ندرشان
می رود با او گفتات می بندند و این کار در
هیچ مملکتی دیده نشده که از برای یک
نب و نوبه حکیم گفتات به بندد ای بزرگان
ایران چرا در خوابید بمانید و به ببینید که
برادران شما چطور روز بروز تمام میشوند
وقتی که می بینید این گونه بی رحمی ها
در مملکت است آیا نباید که محبت ملی داشته
باشید در یکی از شهر های ایران که بودم
مدتی سیر ما لجه اطیائی ایران را میگردم
بعضی مطالب دیدم که قلم از برای هموطنان عزیزم
مجروح شد مثلاً اگر یک نفر زخم سفلیس که
شانگر باشد مبتلا بشود طبیب باو نسخه می
دهد که باید از فضله کبوتر و فضله مرغ و
بعضی گیاه های دیگر را مخلوط کند بر زخم
بگذارد تا خوب شود باینکه این حکیم های
نازه فرنگ که قدری هم از طب نازه
فهمیده اند مرض سفلیس را وعده می دهند
که در عرض یک هفته خوب کنند آن مریض
بی چاره با مبد اینکان زخم شانگر که در بنه
اول است خوب شده دیگر از بی ممالجه
نمی آید اوقت خدا میداند که اثر های
مملک این مرض سخت چه خواهد شد و
به حقیقت در همان شهر یک بودم تخمین
سد نفر بی چاره را دیدم که مبتلا شده
بودند با مرش کونا کون مملک درجه دوم
وسیم سفلیس و از این ها پرسیدم که چرا در
درجه اول ممالجه نگریدید می گفتند که طبیب
بما وعده داده که شما بکلی خوب شده
اید با اینکه اگر کسی مبتلا بشود بمرض سل
طبیب بزودی باو چیزی می دهد که چهل روز
در بربیز باشد آخ آخ این گونه بدبختی ها
و این گونه نواقص را ازده که بگویم بچرا آنها
ثبک کار را در دست گرفته بی نوع انسان
را از این خون ریزها خلاص نمیکند آیا
اصلاح این نواقص با کیست آیا اصلاح این
کارها هم مستشار لازم دارد آیا اصلاح این
گونه کارها هم پول کزافی لازم دارد یک هیئت
حفظ الصحه مراب دولتی می تواند بزودی
اصلاح کند) ما فبک اصلاح این نواقص
متضمن است بجهلا بیان می کنم و نظر وزارت
معارف را جلب به عرایض خود کرده این ویا
غیر این عرایض در هر حال اصلاحش را اولین
وظیفه مملک اداری پنداشته اقدامات لازمه
را مصرأ خواهان می شوم)

اولاً آنکه ایرانیان از دست آن یکدسته
مردمان خونخوار خلاصی خواهند یافت
بدرست بین ظالمان کشته نمیشوند؟ اما جای
افسوس اینجاست که از بسکه مملکت ایران مرج
و مرج است و ایران را وحشی می دانند
بعضی شارلتان های خارجه که در ولایت خود
از کار باز میمانند می آیند در ایران طبابت
میکند مثلاً یک اروپائی که چند کلمه
قرانسه دانست و یک کلاه قرنکی گذاشت می
اید ایران اسم خود را طبیب میکند
شروع میکند به طبابت کردن و هر یک بعد
از چند سال پول ملت فقیر را بر سر نوع که
شده میگردند تا اینکه هزری ایشان معلوم
شده فرار میکنند و بد بخت ایرانیان خیال
میکند که هر کس خارجه شد
افلاطون زمان و جاهلوس دور آن است نمی
دانند که در هر مملکتی انسان بی علم هم
پیدا میشود بی چاره ملت چه کند این
نواقص را باید وزارت معارف اصلاح کند
همین شارلتانهای خارجه یکتون شبوه نازده
اختراع کرده اند که هر مریضی که ندرشان
می رود با او گفتات می بندند و این کار در
هیچ مملکتی دیده نشده که از برای یک
نب و نوبه حکیم گفتات به بندد ای بزرگان
ایران چرا در خوابید بمانید و به ببینید که
برادران شما چطور روز بروز تمام میشوند
وقتی که می بینید این گونه بی رحمی ها
در مملکت است آیا نباید که محبت ملی داشته
باشید در یکی از شهر های ایران که بودم
مدتی سیر ما لجه اطیائی ایران را میگردم
بعضی مطالب دیدم که قلم از برای هموطنان عزیزم
مجروح شد مثلاً اگر یک نفر زخم سفلیس که
شانگر باشد مبتلا بشود طبیب باو نسخه می
دهد که باید از فضله کبوتر و فضله مرغ و
بعضی گیاه های دیگر را مخلوط کند بر زخم
بگذارد تا خوب شود باینکه این حکیم های
نازه فرنگ که قدری هم از طب نازه
فهمیده اند مرض سفلیس را وعده می دهند
که در عرض یک هفته خوب کنند آن مریض
بی چاره با مبد اینکان زخم شانگر که در بنه
اول است خوب شده دیگر از بی ممالجه
نمی آید اوقت خدا میداند که اثر های
مملک این مرض سخت چه خواهد شد و
به حقیقت در همان شهر یک بودم تخمین
سد نفر بی چاره را دیدم که مبتلا شده
بودند با مرش کونا کون مملک درجه دوم
وسیم سفلیس و از این ها پرسیدم که چرا در
درجه اول ممالجه نگریدید می گفتند که طبیب
بما وعده داده که شما بکلی خوب شده
اید با اینکه اگر کسی مبتلا بشود بمرض سل
طبیب بزودی باو چیزی می دهد که چهل روز
در بربیز باشد آخ آخ این گونه بدبختی ها
و این گونه نواقص را ازده که بگویم بچرا آنها
ثبک کار را در دست گرفته بی نوع انسان
را از این خون ریزها خلاص نمیکند آیا
اصلاح این نواقص با کیست آیا اصلاح این
کارها هم مستشار لازم دارد آیا اصلاح این
گونه کارها هم پول کزافی لازم دارد یک هیئت
حفظ الصحه مراب دولتی می تواند بزودی
اصلاح کند) ما فبک اصلاح این نواقص
متضمن است بجهلا بیان می کنم و نظر وزارت
معارف را جلب به عرایض خود کرده این ویا
غیر این عرایض در هر حال اصلاحش را اولین
وظیفه مملک اداری پنداشته اقدامات لازمه
را مصرأ خواهان می شوم)

تا بیا ان اطیائی قدیم که از میان رفتند
دیگر نازه رشد نخواهند کرد و هر شارکد
عطاری بدون اجازه دولت طبابت نخواهد
کرد و مجبور خواهد شد از برای تحصیل
تالفا جوانان ایران که به زحمت و خون
دل پول ایران خرج کرده و تحصیل
نموده اند تصدیق نامه گرفته بایران که
مراجعت می کنند با کمال قدرت و افتخار کار
می کنند و نتیجه علتشان ضایع نمی شود)
و در آخرین مقاله یک صدای بلند فریاد می زانم
و ناله میکنم که اولیای امور فرصت را از
دست ندهید این ملت قدیم و جنس شریف

دار الشوری ملی

جلسه ۲۵۳
(خلاصه مذاکرات - شنبه ۲۹ جمادی الثانی)

مجلس مقارن سه ساعت بظاهر مانده در
نخت ریاست آقای مؤتمن الملک رسمی شد آقای
میرزا رضا خان خلاصه مذاکرات جلسه قبل
را قرائت کردند
ماده ششم قانون اوقاف
ماده الحاقیه بماده ششم قانون اوقاف
مطرح شد و قریب باین مضمون بود که تولیت
موقوفاتی که واقف تولیت آنها را بمده سلطان
عصر موقوفه داشته باید موافق مقصود واقف
بعمل آید
ذکاه الملک مخیر کسیون در ضمن شور
محض رفع اشکال گفتند که ماده تغییر داده
می شود این تغییر است

انتخاب الواعظین پیشنهادی در خصوص
اصلاح ماده کردند قابل توجه نقد
حاجی سید ابراهیم پیشنهادی بدین ترتیب
کردند که قسمت اول اینطور اصلاح شود که
اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها با
سلطان عصر است با اجازه سلطان عصر خواهد
بود و درین قسمت اخذ رای شد و با اکثریت
۳۸ رای تصویب رسید
قسمت دوم را این طور پیشنهاد کرده
بودند که اداره کردن موقوفاتی که
تولیتش بادوات است با اجازه دولت خواهد
بود و در این قسمت دوم اخذ رای بعمل آمد
و با اکثریت رد شد
نمایا در قسمت اول اخذ رای کردند و ماده
بهان ترتیب با اکثریت ۲۸ رای تصویب شد
و گذشت

راپورت های کسیون تغییر
یک فقره راپورت از کسیون تغییر راجع
عاده ۸۵ نظامنامه داخلی در خصوص اخذ
رای عالی باوراق قرائت و مطرح شور کردند
پس از شور لازم در کفایت بودن مذاکرات اخذ
رای و اکثریت آراء مذاکرات را کافی دانست
و باین ترتیب شور اول در آن بعمل آمد
راپورت دیگر از کسیون تغییر راجع مواد
۶۰ و ۶۴ نظامنامه داخلی در خصوص اصلاحاتی
که از طرف نماینده کان پیشنهاد می شود مطرح
شد و شور اول در آن با اجماع رسید
تفصیل

در این موقع رئیس اعلام در دقیقه ششم نمودند
ماده ۷ متمم قانون وظایف
پس از تفصیل مجدداً جلسه انقضا یافت
راپورتی از کسیون تغییر راجع بماده
هفت متمم قانون وظایف قرائت شد و در
صورت تغییر مخالفی نبود و با اجماع شور اول
در آن ختم کردند

سخت عناصر که زیاده از شش هزار سال در
برابر سبیل و تهاجمات روزگار مقاومت نموده
باقرض ابدی و قلات دائمی نکند و نکنداید
که بعضی بی ناموس و غیرت و خود
پرست و خود بین ناموس تمام ملت را فدای
یک ذره منفعت شخصی خود کنند و برای
یک دل بخواه و هوس همه مخلوق خدا را کوفند
قربانی خود کنند و با کمال ناسف و پریشانی
می گویم که اگر آبی فراغت جوید بخادم
این کاستا نهای طبیعی ایران از امپد یک فرستان
مهیسی ساخته صور (خسرو) و (اسفندیار)
را شکل ویرانه و پر خس و خار خواهید دید

دار الشوری ملی

جلسه ۲۵۳
(خلاصه مذاکرات - شنبه ۲۹ جمادی الثانی)

انتقال شامل اجاره است
راپورت دیگری از کسیون تغییر قرائت
شد راجع باصل ۲۲ قانون اساسی در خصوص
اینکه انتقال شامل اجاره هم هست یا خیر؟
کسیون انتقال را شامل اجاره هم دانسته و یک
ماده پیشنهاد کرده بود که: اصل ۲۲
قانون اساسی جمیع وجوه دولت از بیع و شری
و اجاره را شامل است و شروع بشور درین
راپورت شد
حاجی آقا مخالف راپورت بودند که
اجاره با انتقال متفاوت المعنی است انتقال معنی
اجاره را حاوی نیست و وجه الاجاره را طبعی
نمی توان گفت

حاجی شیخ اسدالله موافق راپورت بودند
که اگر اجاره از جزو طباعت نباشد پس چه
طور در وجه طباعت تخمین می شود
حاجی شیخ علی شیرازی نیز شرحی باین
بر مخالفت با راپورت اظهار داشتند آقای
زنجبای اظهار موافقت نمودند حاجی شیخ
الرئیس بیانی در مخالفت با راپورت ایراد داشتند
مخیر که مضمون شرح مبسوطی باین بر دفاع
اظهار داشتند

بالاخره بنا با اعلام رئیس در کافی بودن
مذاکرات اخذ رای و اکثریت حاضرین مذاکرات
را کافی دانستند و باین ترتیب شور اول در
راپورت انجام یافت
برقراری در حق رخصتار خانم
راپورت کسیون بودجه قرائت شد
مبنی بر اینکه لایحه از وزارت مسالیه
رسیده بود که وزارت مالیه در حق رخصتار
خانم دختر حسن خان سرداو مهاجر ایرانی
که مادرش هم مجنون شده است نظریه پریشانی
و فقر و فاقه دارد ماهانه سی و پنج تومان
برقرار می کند و در مقابل ۵۸۱ تومان حقوق
پدر مشار الیها و یکصد تومان حقوق برادرش
ضبط می شود کسیون مسئله را مورد بحث
قرار داده و نظر بخدمات مرحوم حسن خان
پریشانی کزانی رخصتار خانم تصویب نمود
که ماهانه سی تومان در حق مشار الیها برقرار
شود و ۶۸۱ تومان حقوق پدر و برادرش ضبط
دولت کرد

حاجی آقا - بنده یا این راپورتها بکلی
مخالفم این راپورتها بعضی را بعضی تصویب
و بعضی دیگر بلا تکلیف میمانند در صورتی
که تمام راجع به هدای حریت و کسانیت است
که برای این آب و خاک جان داده اند باز بحث
کنیده اند؟ باینکه یک پیشنهادی بشود که
عمومیت داشته باشد تا کسانیکه وسيله ادارند

حفظه

زشت هزار سال در
وزکر مقاومت نموده
ی نکند و نگذارید
و غیرت و خود
تمام ملت را فدای
خود آند و برای
مخلوق خدا را کوفند
تلف و پریشانی
ت جوید مخادم
مدل بیگ پرستان
(و استغیاب)
خار خواهد دید

محمود مدبر روز نامه چته رفته مشار الیه را
در وزارت جنگ منقد شود که بهینند چه
اشخاصی کشته شده اند و ورثه کدام ها در
استیصال هستند ...
رئیس - راجع بمجاهد که نیست ...
حاجی آقا - غیر مجاهد باشد چه تفاوت
می کند باید رسیدگی کرده و یک مقدار کلی
معین نموده که ما ایشان تقسیم شود و این قدر
موجب انلاف وقت مجلس نگردد
میرزا مرتضی قلی خان - بنده فرمایشات
حاجی آقا را رد می کنم . مجلس بموجب
قانون اساسی باید بجوایز رسیدگی کند و
کیوی می هم که می گویند خان کیویان بودجه
است که در مجلس هست . اما در باره این
و ابورت عرض می کنم حسن خان و حسین
خان دو سردار رشید ایروانی بوده اند که
هازایشان در جنگ ایران و روس از میسان
رفت و ضبط روسیه شد ، هر کسی معاهده
ترکان جای را دیده باشد می داند از ایشان
فقط یک رخساره خانم و یک مادر مجزواتش
باقی مانده و کان می کند مجلس راست که در
باره یاز ماندگان این قریل فدا کاران حق
شناسی نماید . و حالا هم این ترتیب منفعت
ما خواهد بود زیرا بجای ۳۹۰ تومان نصف
۶۸۰ تومان حقوق پدر و ایرادش که بایستی
بموجب قانون وظایف داده شود ۳۹۰ تومان
داده خواهد شد .
بعد در این راپورت بورقه اخذ رای
کشت و اکثریت ۴۹ رای پر شد ۲ رای
تصویب شد .
دستور
رئیس دستور جلسه آتیه را بقرار ذیل
اعلان کرد :
راپورت کیویان بودجه راجع به برقراری
در حق آتیه اید زاده تهرانی - راپورت
کیویان اصلاح نظامنامه انتخابات - راپورت
کیویان فولاد ماه و بودجه راجع به استخدام
مستخدمین برای وزارت پست و تلگراف .
مجلس قارن پنج دقیقه قبل از ظهر ختم شد .
اوضاع عدلیه
سیح دیروز امجد السلطان کتیل عدلیه
وزارت عدلیه رفته پس از مختصر کردنش
در عدلیه و ملاحظه امهاری که بدرب محکم
زده شده است باطاق وزارت میروند بعد از
احظه مسوو بفرم خان عدلیه رفته و پاره
تحقیقات در اینکه کسانی که مهر رئیس تقی
ویدی ایروانی را شکسته چه اشخاصی هستند
نموده و بعد بااداره اجراء رفته و از آنجا هم
بعضی تحقیقات کرده از عدلیه خارج میشوند
پایتخت
توقیف مدیر چشته
دیروز دو ساعت قبل از ظهر شش نفر
پس از طرف انجمن بدرب دکان آبر ز
از نطقهای فارغ التحصیلات مدرسه
اناث آمریکائی
در یکی از شماره های اخیر خود مان
شرح امتحان مدرسه اناث آمریکائی را اشرار
داشته یودیم اینک خطابه بدر الدجی خان
امام الحکما را که از جمله همان فارغ التحصیلات
و راجع بحفظ الصحه عمومی است فیلابرای
نمونه بنظر خوانندگان می رسایم :
حفظ الصحه که علم سلامتی مزاج است در

چندی بواسطه بقیه مالیات سه ماهیه تخافویلی در
توقیف اجراء ماله بود در روز قبل حساب خود را
پرداخته و مستعلاست مزبور از توقیف خارج شد
ابقای رئیس صندوق عدلیه
شاهزاده عیسی میرزا که سابقا بر حسب
حکم وزارت عدلیه ریاست صندوق عدلیه را
دارا بودند این ایام نیز بموجب حکم عمره
۹۷۳۳ از طرف وزارت ماله ریاست صندوق
بخود ایشان واگذار شد
اقدام وزارت معارف
مادل ۵۵۰ تومان حواله و صد تومان
تجدید مخارج راه و مسافرت آقا میرزا
سید حسین خان مترجم نظام که در عسداد
شاگردان اعزالی بخارج محسوب است وزارت
مالیه حسب الجوائه وزارت معارف بمشار الیه
پرداخته و مشار الیه نیز قسط اول آن را
دریافت کرده و روز شنبه حرکت خواهند
نمود
اعزام استمداد بقرین
استمداد یکی چند روز است قرار بود به
قرین بروند دیروز باضمنا یک عراد
توب وقت ساتیبطر و بیست نفر صاحب منصب
و توب چنی حرکت کردند
بانبار بردن شاه سون ها
دیروز بر حسب ابلاغ و تصویب هیئت
وزرا حکومت دوازده نفر از شاهسون ها را
که در توقیف نظام بودند بانبار روانی برده
شد و شاهزاده آکیل الدوله معاون حکومت
برای تعیین مکان و ترتیب منزل آنها بانبار
رفتند
جنایت
عصر دیروز تقی و علی نامان پاپس گروهان
اول با یک نفر پاپس دیگر نزاع نموده و
مشار الیه شخص پاپس را کتک زیاد زده
بطوری که مشرف بیوت بوده است مضروب
را بنظمیه برده از آن جا محبت فرستاده شد
شرارت
مشهدی نصر الله تو تون فروش را بجرم
مستی و شرارت و سب زدن بصورت پلیس
کیسری سنکساج بنظمیه فرستاده و توقیف
سکردید
قزاق شرور
یوسف نام قزاق در وسط مدبر هیال مطلقه
خود را عفا بخانه برده و با ته تفنگ او را
کتک زیاد زده بطوری که مشرف بیوت بوده
کیسری حسن آباد بنظمیه اطلاع داده از نظریه
دکتر برای مالمجه ضعیفه ضروریه فرستاده شد
بدمستی و مرهمه
سید حسن قهره چی را بجرم مستی و شرارت
و مرهمه کشیدن در خیابان علاء الدوله بنظمیه
برده ۲۴ ساعت توقیف میشود
اجرای ماله
دکاکن و مستعلاست هنر زخان نصر الممالک که
قوانین و دستور العملی که برای حفظ و عو
اعضاء مدینه است گفتگو می نماید و استعمال
این قوانین همیشه بسیار ساده است لیکن
چنانچه عمل و نحو اعضای بدن از قید ربه
و قلب و اعصاب و صریق و استخوان وغیره
دائمی است همچنان باید استعمال این قوانین
نیز دائمی باشد
چون حفظ الصحه مدخلیت کل یک قومی
دارد لهذا این خان را با کمال شوق فرصتی
را غیبت شده شده بی را بطریق اختصار

ای واقفان روز ای اشخاصیکه از معائب
امور این مملکت مطلع هستید ما مستشاران
امریکائی را برای اصلاح امور ماله از چندین
هزار فرسخ راه باید ترتیب مسالیه خراب
مملکت زحمت داده ایم که دو مرتبه پریشانیهای
ماله بواسطه جناب اشخاص بیفرض عالم بتوانند
اقدامات کنند اما انوس حالا هم که میخواهند
در انتخاب اشخاص لیسانت و صلاحیت و
اطلاع را رعایت بنمایند تا بواسطه سوء
انتخاب افکار آنها بی نتیجه نماند باز برای
یاری بازی است و اشخاصی را انتخاب و به
آنان معرفی بنمایند که از وجود امثال آنها
جز تضییع وقت و انلاف مال دولت نتیجه
دیگری عاید نخواهد شد و خود باعث
خرابی ماله بوده اند . البته اولیاء امور
نظر دقت خودشان را در انتخاب اشخاص
و پیش رفت مقاصد مستشاران خارجی
سب نخواهند فرمود .
(طرف دار اصلاحات)
استعفا
میرزا ابراهیم خان سهراب زاده که
در خلوت حضرت ولیمهدست مستخدمی داشت
از خدمت استعفا کرد
حفظ مقام مستشاران خارجی
مشروطه و آزادی که در تمام عالم موجب
آبادی و بسط تمدن و سعادت مملکت است
مقاصفانه در دست ما اشخاص بی علم جاهل
خود خواه نتیجه اش حال کنونی مملکت است
که علاج بشرح و بسط نیست که ناسه اندازه
از آن سوء استفاده نموده و بواسطه اغراض
فاسده درسد آنهاش برآمده ایم چنانچه از
وجود مستشاران مجرب عالم که مستلزم نظریه
و تحقیق وزارتخانهها و ادارات و آبادی مملکتند
در ایران بد بخانه بهمان ملاحظه جهل و
نادانی طوریکه باید استفاده کنیم نموده و
نظر بمدائمی که باصلاح نظریات داریم نمی
کنیم آنان آزادانه شروع بکار کنند ای
اولیاء امور ! ای اشخاصیکه مسئولیت تأمین
حیات و سعادت یک ملتی را در عهده گرفته اند
و از اهمیت این مسئولیت غفلت یا تجاهل
می کنید .
باید چه اشخاصی را از چه قفله برای
اصلاح ماله مملکت آورده ایم ؟
آیا تصور میکنید که ما مدین این مملکت
بچه درجه در عدم پیشرفت مقاصد ما استفاده
های ضرره بحال مملکت ما درین موقع جهد و
کوشش دارند ؟
آیا هنوز رشما ثابت نشده است که
بدون کمک مستشاران خارجی از ماها کاری
پیش رفت نداشته و باید آنان را در دائره
استیباریه خود آزاد و مختار بگذاریم ؟
آیا قطع ندانید که اگر افکار طائفه آنها
موقع اجری گذاشته نشود و اصلاحاتی را
که در نظر دارند از پیش رود حیات ملت
مانزلزل و دیگر روی اصلاحات را نخواهد دید ؟
بمخضور مستخدمین محرم عرض میدارد که شاید
قاید بخشند زیرا ملتیکه حفظ الصحه خود
را نگاه دارند اولاً جمعیت ایشان رو یازداد
میکنند چنانچه در ممالک خارجه مشاهده
می شود که کمترین قلمه زمین با وجود انحصار
عیال چندین برابر آن جمعیت دارد مثلا مملکت
فرانسه و انگلیس و ژاپون که وسعتشان بسیار
از ایران کس ولی جمعیشان بیشتر است گذشته
از این بشر معارف در ممالکی که حفظ الصحه
را مغفول دارند بهتر و سهل تر پیش میرود

تختیف در طاعون
یرشهر - بعد از ناخوشی طاعون خیلی
کم شده از ۲۴ ماه الی ۲۷ بکنفر از این
مرض فوت شده و هوای زهره آنها بت کرمی است
قرین
با می نویسند :
عزیز الله خان و حبیب الله خان و عباس
خان زیابادی و هوز خان روز بروز بر جمعیت
خود می افزایندهات اطراف سوران فرستاده
تفنگ و اسب و پول از راهای فلک زده می
گیرند قریه باقر آباد را چاییده به دهات دیگر
هم دست اندازی نموده اند از هیچ چیز رو
کردن نیستند در صدد ریختن به شهر هستند
از قراریکه خبر می دهند می خان که یار سال
با داراب میرزا به رنجان رفته و سر دسته
اشرار بود با سوار های خودش به صصمک
مشار الیه میاید تملا در قریا بق و اطراف
هستند اهالی شهر مضطرب و شبها خواب
ندارند از آن شب که سردار هایون حکمران
و وقار الملک معاون و امجد الاسلام یا وزاره
که قراول خانه رفتند بگمره سلب اطمینان
از مردم شده می گویند وقتیکه حکومت وقت
و مامورینی که مسئول امنیت و ضامن انتظام
شهر هستند به محض شنیدن یک خبر و هوومی
به قراولخانه بروند اگر این خبر محقق و
واقعا اشرار بشهر حمله نمایند چه خواهند کرد
در سردریشان کردن آلمان ها هستند .
دیروز قراول رفته بود منزل حاج محمد
علی آقایی بعنوان یاز دید
دیشب آقایی ستار خان سردار ملی با یک
عده سوار وارد و در منزل حاج محمد علی
آقایی منور منزل کردند امروز ظهر با آق
سردار هایون حکمران و حاج محمد علی آقا
سیدار به ست رشت رهسپار شدند از طرف
انجمن ولایتی توسط رئیس « بکنفر اصفا »
بواسطه سوء تاثیر که حرکت حکومت در این
موقع اضطراب اهالی می کرده سماعت از حرکت
حکومت کردند نپذیرفته حرکت کردند
از طرف قراول به کار گذار پیغام
کرده بودند که حکومت چرا قرار صکرده
جواب داده بود که فرار نکرده است امروز
انجمن ولایتی از سه ساعت بظهر مانده الی دو
ساعت بعد از ظهر با حضور رؤساء دوا بر
عملی سرا بنقد بود چنانچه از مذاکرات آنها
مطلع شدم برض خواهم رسایید
ازقراری که شنبه سردار ملی و حکومت
به حبیب الله خان و عزیز الله خان کاغذ نوشتند
که ما نلتهم سپهدار را بیاوریم شاهم برای
استقبال تا هر جا که ممکن است بناید و مورد
الطاف خواهد شد
اقتدار السلطنه بسر سپهدار هم امروز
از نجف آباد به شهر برای معاربت به معاون
طرف جاری و درجنهای بلند در هر طرف
صف بسته و کل و راجعین شکنجه و فیره
و غیره
حفظ الصحه را می توان بدو تشبیه
مشبب نمود یعنی حفظ الصحه عمومی و حفظ
الصحه خصوصی حفظ الصحه عمومی صصه
تکلیف دولت است عبارت از ایست که
دولت باید همیشه مراقب و مواظب امورات
راجع بحفظ الصحه عمومی ماس باشد
بقیه دارد

اخبار داخله
تکلفات :
ورود نمایندگان خارجه
ارومی - مسوو ثبیلی قراول سول ژنرال
انگلیسها و مسوو میونسکی اجزای وزارت
خارجیه روس مامورین تحقیق حدیثات از
محالات صومعه و برادوست و سرکور و زکور
و دست مسافرت نموده اند دیروز قبل از
ظهر قراول کرمی روس وارد آمد بمنزول
مستقر برامنهائیکه کنسول که جهه تاج گذاری
امپراطور انگلیس حاضر پذیرائی برده رفتند
و بار را با حکومت عمليه و عموم مامورین
خارجیه و داخله در قراول کرمی صرف نموده
و تشریفات و لوازم جشن تاج گذاری را
بعمی آوردند از جناب حکومت و کارگذاری
هم کاسه و نانایده با قزاق باستقبال رفته
بودند ۲۵ نفر قزاق و بیست نفر هندی و یک
نفر کابینان همراه آنها بودند
غرامت از نظریه
عراق - هوش قبل دکالی را سرت
و شصت تومان کرمی پول برده اند صاحب
دکان بحکومت طارش شده حکومت هم جدا
مطایبه غرامت را از نظریه می نماید نظریه دوام
مهمت گرفته حکومت قبول نکرده و از داروغه
وجه نقد گرفته صاحب دکان مسترد داشت و
اکنون در جستجوی سارق میباشند پکامت
بفریب مانده دیروز سردار متضد وارد و
از طرف حکومت پذیرائی بعمل آمد
جلوگیری از تمذیبات
میان دوآب - چند نفر سرباز و سوار
از طرف شجاع الدوله مامور شدند که دفع
تمذی ایران مصباح دیوانه را از املاک و علاقه
آمبر تقی حریر فروش بنمایند
تلا یک دوره علمی را که شخصی سالم دوهفت
الی هشت سال تمام کند شخصی ملای همان
دوره را در پانزده سال هم نمی تواند تمام
بکند و نیز منظر مملکتی که حفظ الصحه را
صری دارند بهتر است چه که افراد مردم
را که می نگریم می بینیم که سرخ و سفید
جاق و قمریه و خوش خلق و خوش اندام
اند گذشته از این چون در توجه حسا و
خیالمان ها راه بر رید می بینیم که آنها
با بزره و آب پاشیده و نهر های آب از هر

دیروز آقای مصلح‌الملک رئیس مایه جدید وارد و آقای میرزا موسی خان رئیس سابق از مشارالیه استقبال کرده در منزل شخصی خود ورود داد امروز با اتفاق باقیمان ولایتی رفته مشارالیه و ارسام معرفی نمودند

مکتوب از سندیج
بلکه دنیا مظلومیت توجه حاکمان مظلومین را بحال خود استغاثه نموده وقت نظر عادلانه را معطوف می دارد تاکنون هر وسیله مراتب تعدیات سیف الدین خان نایب الحکومه را نسبت بدای و عموم ملت مظلوم قتل یرض اولیای دولت و ملت رسانیده بدبختانه احدی نبوده که احمق بقدمات ظالمانه نایب الحکومه بدهد این تسامح ایبه موجب از داد تعدیات جاریه مشارالیه خواهد بود با کمال اضطراب بصدای رسائی که فضای مقدس کعبه آمل ملت (جاس شورای ملی و) فرا کرد بموم وکلای ملت و مجری ایران عرض میکنم برادران بدبخت وطنی خود را که در فشار ظلم گرفتار و در بوته استبداد درسوز و کرازند دریابید

مکتوب یاداره
اردستان یکی از قصبات معزیر ایران است که بکلی از دفتر دولت معقود و از نظر وکلا محو و عدلیه نه مایه نه ظلمه تماما هرج و مرج مثل سابق بلکه بدتر چند نفر اشخاص مقبول اینجا ابد مالیات نمیدهند ولی از یک نفر رعیت فقیر که دو تومان مالیات بده است عدوانا شش تومان می گیرند بکس یک نفر اعیان اینجا که بانصد شتر و هزار کوفتد دارد دیناری نمیدهد و از یک بیوه زن فقیر که یک راس بز دارد سی شاهی می گیرند

انچه معلوم می شود چه در زمان استبداد وجه شروطه مالیات منحصر فقرا بوده و بیست رشمه قنوت جدید احدث شده کاهر کدام پنجاه و صد هزار تومان قیمت دارد صاحبان قنوت دیناری مالیات بدوات نمیدهند در سال قدر سی هزار تومان معدن کون و کتیرا از گوهستان داریم که اصل ریشه از زیر خاک بیرون می آید که متعاقب بدولت است چند نفر جوانین چند نفر ملاغا چند نفر سادات چند نفر بیگها ضبط کردند می برند و می خورند و ما فقرا را از گوهستان خود مان همروم می دارند

مطلب دیگر املاک وقف تقریبا با علیا و سفلی چهار کرور در آن حدود است و این سه طایفه می برند و می خورند مساجد و مدارس موقوفه ضروریه چندین سال است سی هزار تومان موقوفه مرحوم حاجی حسن که وقف شاه نجف است و همه ساله وجه موقوفه مرحوم آقا شیخ محمد علی برادر آقا شیخ حل نجف اشرف می شد حالیه حاجی محمد و حاجی میرزا نورا و میرزا حسین و میرزا اسمعیل و چند نفر ملاغا اربابی کرده اند که دو قسمت

موقوفه را فروخته اند و تمام اهالی اردستان و اصفهان مستحضرند چه عرض کند از دست این سه طایفه اینقدر ظلم در حق ما کردند که سه هزار خاتوار از اردستان بورهین آمده ایم باز دست از آن ترک بازی بر نماندند

قسمت دوم تاجگذاری
قسمت دوم عبارت بود از ورود زردها و خانهای محترمان با لباس های مخصوص و سی

قسمت سوم تاجگذاری
پس از ورود زردها ما نیز مخصوصی که برای رسومات مذهبی تاج گذاری معین شده بودغایان کردید در روی میز تخت اعلیحضرت زوز و بر روی آن تاج بزرگ طلائی و شمع دانهای طلا کذارد بودند در موقع غایان شدن تخت تاج ارگهای مخصوص شروع بسرو و مذهبی نمودند در ساعت هشت و پنج تقریبا معابر بقر نیم ساعت بسته بود تا اینکه اشخاص تازه رسیده مانند سلاب جاری در نشیمن های خود قرار گرفتند در این موقع رؤساء مذهبی تماما انتظار ورود اعلیحضرت زوز و ملکه را داشتند چندی طول نکشید که کیکه سلطنت از قصر بکنک هم شروع کردید قسمت اول مرکب بود از شاهزادگان بزرگ و نمایندگان دول بواسطه ترشحات کالسهک های خانواده سلطنتی و نمایندگان خیل نزدیک همه حرکت می نمودند و همین جهت جمیع تماشاچیان نتوانستند بجوی مهمان عزیز خود را بشناسند خلاصه بعد از داخل شدن کالسهکا جمیع تماشاچیان با صداهای بلند هیئت حاضره را که عبارت بودند از والا حضرت ولیعهد آلمان امپراتور کولکور فرانسه مسیو خادم نماینده امریک و نماینده ژاپون نماینده ایتالیا و نماینده اطریش بزرگ کفنه و هورا کشیدند اغلب این هیئت مجلس بلباس « بونی فرم » بودند

قسمت چهارم
قسمت دوم - مرکب بود از کالسهک که مخصوص خانواده سلطنتی انگلیس است دو کالسهک آخر والا حضرت ولیعهد پرنسپس بری و دو نفر از شاهزاده کان دیگر نشسته بودند در موقع ورود این قسمت و هیئت تماشاچیان در اطراف بمدا های تمحصین و هورا مقرر بودند پس از ورود والا حضرت مقداری طول کشید که بیکرتبه صدای شلیک توپ بلند شد و معلوم کردید که اعلیحضرت زوز و ششمه از قصر بکنک هم حرکت فرموده اند حسن اتفاق باران موقوف شده و آفتاب بسیار قشنگی از زیر ابرها نمایان کردید کالسهک اول که عده هم از کارد مخصوص فردبسال آن بودند مرکب بود از اعضاء مخصوص خانواده اعلیحضرت زوز درهال این کالسهک اجودانها و نمایندگان نظام بحری حرکت می نمودند بعد از آمدن این هیئت کالسهک مخصوص

اعلیحضرت زوز و ملکه نمایان کردید کالسهک اعلیحضرت را بهشت اسب بسته و بسلاح ملایمت حرکت می دادند این کالسهک را طوری ساخته بودند که تماشاچیان بخوبی می توانستند که صورت اعلیحضرت زوز و ملکه را ملاحظه نمایند و در دیبال کالسهک اعلیحضرت ارد کیچتر و در عقب قشون مخصوص هندوستان باکال آراستی حرکت می نمودند در موقی که کالسهک اعلیحضرت نزدیک وست منیستری می رسد هوا بر شده ولی بارش نیامده

قسمت پنجم
بعد از ورود اعلیحضرت زوز و بکلیسای وست منستر بسر کردی والا حضرت ولیعهد آلمان و هیاتشان بکلیسای مذکور ورود نموده و دو صندلی های خود جلوس نمودند پس از ورود والا حضرت ولیعهد انگلیس بلباس مخصوص نظامی خود ورود نموده و صندلی مخصوص جلوس نمودند

قسمت ششم
در موقع ورود اعلیحضرت زوز به معبد وست منیستری حضاریکه انتظار ورود معظم له را داشتند بیکرتبه بلند شده و تماما روهای خود را بطرف درب مغربی کلیسای که محل اینستگاه خلفای روحانی و ممبر اعلیحضرت بود نمودند پس از تشریف فرمائی شاه علیاحضرت ملکه از وسط درب بزرگ معبد همراهی دو نفر خلبانه و عده از زنهای خانواده سلطنتی داخل معبد شدند پس از چند دقیقه توقف در کلیسای خلفای مذهبی شروع به بیضی رسومات نمودند و بعد از اتمام رسومات و سرود های مذهبی اطفال کلیسای اهل حضرت زوز و همراهانشان حرکت فرمودند

قسمت هفتم
پس از چند نایبه حرکت اعلیحضرت زوز و ملکه بروی صندلی های مخصوص خودشان جلوس فرمودند و خلبانه بزرگ کانتز بری و سایر خلفا بصدای (خدا بجات دهد پادشاه را) پس از ختم رسومات مذهبی اعلی حضرت زوز قسم یاد فرمودند و خلبانه بزرگ کانتز بری رسومات تاج سکذاری را بجای آورد پس تاج را بلند نموده بر سر اعلیحضرت گذاردند در این هنگام از تمام خلفای معبد صدای نجات دهد خد پادشاه را بلند بود در موقع گذاردن تاج از برج چند تیر توپ هم شلیک کردید پس از تاج گذاری اعلی حضرت زوز بروی تخت جلوس فرموده و بازو کان یکی یکی صحبت می فرمودند اقدای خلیفه بزرگ جلو آمده از طرف هیئت روحانی تبریکات خود را عرض نمودند سپس والا حضرت ولیعهد شرفیاب گردید

خبرنامه

انقلاب آلبانی
در مجلس مجنونان ایتالیا مساون وزیر امور خارجه در موقع جواب استیضاح مسیو کالی اظهار داشته است که در انقلاب آلبانی فلامانحصر بولایات سفوتری است و چون رفع این انقلاب جزو امور داخلی دولت عثمانی محسوب می شود هیچیک از دول اروپای حقی مداخله دو آرا ندارند - بهلاوه در موقی جان و مال اتباع ما که مقیم آلبانی هستند در مخاطره باشد سفاین جنگی ما که در بحر ادریاتیک لکر انداخته از ایشان مدافعه خواهند کرد .

نمود . اما ظاهرا انقلاب آلبانی باین حدود منجر نخواهد شد و ما را بداخله مجبور نخواهد کرد .
بنسبست مراکش
مسابی مطبوعات فرانسه همواره مشغول بر آنست که جریان دیپلوماسی اطریش را در مسئله مراکش از نقطه نظر دیپلوماسی آلمان دور نماید . بالعکس در ویتة این مسامی را تکذیب نموده و علنا اظهار می دارند که دیپلوماسی اطریش مایل بر آن است که اقدامات دولت فرانسه در مراکش از حدود معاهده الجزیره تجاوز نماید : از اینرو معلوم می شود که نظریات آلمان و اطریش در مقابل اقدامات قشون فرانسه در مراکش همواره یکسان است .

راه آهن های چین
پس از آنکه دستخط امپراطوری مالکیت خطوط راه آهن را از مالکین سلب نمود و بدین جهت از هر طرف صدای غوغا و پرستش مالکین بلند شد حکومت مجددا دستخطی صادر و منتشر کرده است مشعر بر آنکه « سابقا مالکین خطوط راه آهن بر خلاف قانون مرده را بمعاوضت مالی و جانی در راه راه آهن مجبور می گردند و منافع آن را بیل خود بمصرف می نمایند . طاقبت مقدار پول کثرافی از کبسه مرده خارج و راه آهنی هم ساخته شده است ، لهذا ادوات امتیاز خطوط راه آهن را از کلیه متصدیان سابقه مسترد داشته و خود قرار لازم را در تنظیم تمیر آن خواهد داد . »

مطبوعات بلغارستان
جریده میر مطبوعه سوفیه در خصوص بحران حاضر عثمانی چنین می نگارد : « مشاهده نظریات حزب ژن توروک چندان احمق ندارد و فرقه منوریه را تجزیه نخواهد کرد . زورا هنوز بیه معاودت ارنجماع فرقه را با همدا مجبور می کنند . واضح است مرام فرقه ژن توروک اوضاع عثمانی را نسبت بموقع سلطنت عبدالحمید خیلی زرق داده و فعلا هیچ کابینه بدون معاودت و دستگیری آن نمیتواند مشغول کار شود . »

مطبوعات فرانسه
روزنامه دبا در خصوص اقامت قشون فرانسه در قانس چنین می نگارد : « قشون ما در مراکش جنگ میکنند باین معنی که برضد حملات و سوء رفتار اهالی از سلطان مراکش مدافعه می نمایند ولی فعلا که قشون ما بقباس رسیده احضار آن مشکل است . بالاخره کسانی که میخواهند دولت فرانسه را دو مسئله غامض مراکش حاصل نماید مقصود رسیدند و ما را در شمال افریقا گرفتار مشکلات نمودند . »
روزنامه نوبل نیز در این موضوع میگوید : « اگر قشون ما فعلا از قانس خارج شود هرج و مرج و آشوب شروع خواهد شد و اگر در پای تخت مراکش اقامت نماید دول اروپا اقامت آن را باقیم مختلفه تمیر نموده و اقدامات حکومت ما را مقید خواهند کرد . »

تظلم از سهام الدوله
اسندما از وکلا ووزرا ورموم نوع خواهان ملت برست می نمایند که بعد از ملاحظه این تظلم نامه توجه فرموده در احقاق حقوق ما مظلومین که در مملکت مشروطه سهام الدوله چه بیقانونی کرده و بیه حق مداخله در امور راجع بمقوق نموده و بسر ما دوسه نفر بیچاره چه آورده و بدون حکم پنهان ورثه مرحوم علی خان که واقع است در محله شاه آباد مامور فرستاده اسباب و اشیاء وراثت را برخلاف قانون تمام دلایا از خانه بیرون ریخته که هنوز هم اسباب و اشیاء در کسیر است

در محاکمی که استبداد حکمفرما بود مثل سابق ایران اگر یک نفر اش نسبت بشخص مظلومی ظلم میکرد شکایت او را نزد فراشباشی میبردند و رفع ظلم میکرد اگر فراشباشی ظلم می کرد شکایت بچاک میشد اگر حاکم ظلم بود بصدر اعظم آن مملکت شکوه می کردند اگر صدر اعظم نیز بطریق دیگران رفتار می کرد تظلم بسلطان می کردند اگر سلطان هم مثل مامورین ظلم بود چه چیز رفع آن ظلم را می کرد قشوی ملی پس چنین معلوم می شود که این چند سال اخیر این خودمراژیکه ریخته شد و آن همه اموال مردم که بیجا اول رفت برای این بود که زردستی زبر دست ظلم تمدی نکند شرا به شاه مردم تروند و اسباب مردم را بمیراث بریزند افسوس صد افسوس که معلوم می شود تمام این خونها بیجهت ریخته شد آیا سهام الدوله بیه قانون در عمل حقوق دخالت کرده و رضوان الملک را با برزا عبدالکریم خان بقدام حق شب بخانه مردم روانه می کند و ایجاب مردم را در کرجه می ریزد و خانه مسکونی ما را بدون تحقیق و محکمه و سندی ببلصرف دیگری بدهد مگر این شور عدلیه ندارد محکمه شرع اوو ندارد قانون ندارد وکیل و وزیر ندارد یاشر اسلام نیست یا این همه در جزو اختیارات نام است؟

چرا باید از یک نفر حاکم که باید حافظ حقوق مردم باشد این نوع بیقانونیها انهم در پایتخت سر بزنند پس ما ملت بیچاره چه باید بکنیم و شکایت خود را بکی و بکجا بکنیم
سهام الدوله اگر از وکلا ووزرا ورموم ملت تقریب خوب بود در این موقع که پای چند نفر صغیر و کبیر بدبخت در میان بود از خدا بترسد و مدلول اسناد شرعی ما را که در دست ما موجود است بمقام اجرا بگذارد و بعد خانه ما را بتصرف دیگران بدهد این ورثه از افراد این ملت مستندی است که رفع این بی نظمی را از سر مملکت مشروطه بلاید

ایران نو
ما بنام آزادی مطبوعات و بیخاطر مظلومیت ورثه منور در صورت صدق مطالب آمان خاطر آقای وزیر داخله را جلب نموده و با کمال بی نظمی خانه دادن باین خود سرها را در مرکز حکومت خواستاریم لا اقل خوب است حال که در ولایات غوغای اعاده استبداد را محل اعتنا قرار نمی دهند رضای تشوید سکه در پای تخت اموال مظلومین این طور در معرض هوس رانی اشخاص پای مال شود
مدیرمسؤل سید مهدیه الحجه
تهران خیابان ناصریه مطبوعه دولتی «مره ۹۰»